

Contemporary Islamic law Debate

A Comparative Study of the Blood Money (Diyah) for Spinal Fractures in Imamiyya and Hanafi Jurisprudence

Siamak Ghiyasi¹, Mohammad Ali Razavi²

1. Assistant Professor, Department of Law, Al-Mustafa International Research Institute, Qom, Iran (Corresponding Author)—sqiasi52@gmail.com
2. PhD in Criminal Law and Criminology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Qom, Iran — mrazavi998@gmail.com

Abstract

The spine is one of the vital organs of the human body—it runs from the skull all the way down to the pelvis—and fracturing it can not only cause serious physical harm but also mess with a person’s ability to move around. This study, using a descriptive-analytical method and drawing on library and documentary sources, looks at the blood money (diyah) for different types of spinal fractures and the resulting loss of bodily functions, from the perspective of Imamiyya and Hanafi jurisprudence.

So what did the research find? Well, here are the similarities and differences between the two schools when it comes to diyah for spinal injuries. Both schools consider the spine a vital organ and treat it under the general rules of diyah. If there’s a loss of essential functions—like paralysis or a curved back—both say full diyah applies. And in cases where there’s no explicit scriptural text (naş), both turn to *arsh* (compensation determined by expert assessment). Also, both agree that full diyah is required when

Cite this article: Ghiyasi, Siamak, Razavi, Mohammad Ali V. (2025). A Comparative Study of the Blood Money (Diyah) for Spinal Fractures in Imamiyya and Hanafi Jurisprudence. Contemporary Islamic Law Debate, 3(5), p. 267-296.

<https://doi.org/10.22034/cild.2026.20040.1128>

Received: 2025/05/06

Revised: 2025/08/31

Accepted: 2025/09/04

Available online: 2025/09/22

Type of article: Research Article

Publisher: Al-Mustafa International Community

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



a fracture comes with a curved back or when, after healing, one of the vital functions is lost.

But here's where they differ. In Imamiyya jurisprudence, if a spinal fracture is incurable, they award full *diyah* unconditionally. The Hanafis, however, make that conditional on the loss of a major function—such as the ability to walk or sexual function—and if that hasn't happened, they only set *arsh*. For a fracture that heals completely with no remaining defect, Imamiyya jurists say one-tenth of full *diyah* is due, whereas the Hanafis only require payment of the treatment costs. If the fracture heals but leaves a defect, Imamiyya jurists refer to the general principles of *arsh*, while the Hanafis explicitly say *arsh* is obligatory. Now, what about a situation where the spinal fracture doesn't heal *and* one of the vital functions is lost? Imamiyya jurists hold that two full *diyahs* are owed—one for the fracture and one for the loss of function. Among the Hanafis, though, there's disagreement: some say one full *diyah*, others say two.

Keywords: Blood money (*diyah*) for bodily organs, Spine, Back fracture, Imamiyya jurisprudence, Hanafi jurisprudence, Comparative jurisprudence

بررسی تطبیقی دیه شکستگی ستون فقرات در فقه امامیه و حنفی

سیامک قیاسی^۱، محمدعلی رضوی^۲

۱. استادیار گروه حقوق، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، قم، ایران (نویسنده مسئول) sqiasi52@gmail.com

۲. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، قم، ایران. mrzavi998@gmail.com

چکیده

ستون فقرات از اعضای حیاتی بدن انسان است که از مجموعه تالگن امتداد دارد و شکستگی آن می‌تواند افزون بر وارد کردن آسیب‌های جدی جسمی بر فرد، توانایی‌های حرکتی او را مختل کند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به بررسی دیه انواع شکستگی‌های ستون فقرات و زوال منافع ناشی از آن از دیدگاه فقه امامیه و فقه حنفی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق، تفاوت‌ها و شباهت‌های دو مکتب در زمینه دیه ستون فقرات را چنین نشان می‌دهد: هر دو مکتب ستون فقرات را عضوی حیاتی می‌دانند و آن را مشمول قواعد کلی دیات می‌شمارند. در صورت زوال منافع اساسی مانند فلج شدن یا خمیدگی پشت، هر دو مکتب حکم به دیه کامل می‌دهند و در موارد فاقد نص، ارش را ملاک قرار می‌دهند. همچنین هر دو مکتب بر لزوم دیه کامل در شکستگی همراه با خمیدگی پشت یا

استناد به این مقاله: قیاسی، سیامک، رضوی، محمدعلی (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی دیه شکستگی ستون فقرات در فقه امامیه و حنفی. گفتمان حقوق اسلامی معاصر، ۳(۵)، ص ۲۹۶-۲۶۷.

<https://doi.org/10.22034/cild.2026.20040.1128>

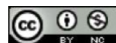
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه

۱۴۰۴ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند



از بین رفتن یکی از منافع حیاتی پس از بهبودی تأکید دارند. با این حال، فقه امامیه در صورت شکستگی درمان ناپذیر ستون فقرات، بی‌قید و شرط حکم به دیه کامل می‌دهد؛ در حالی که فقه حنفی آن را منوط به زوال منفعت مهمی همچون توان راه رفتن یا توان جنسی می‌داند و در غیر این حالت، صرفاً ارش را مقرر می‌کند. در شکستگی درمان شده و بدون عیب، فقیهان امامیه یک دهم دیه کامل را لازم می‌دانند؛ اما حنفیان تنها هزینه درمان را واجب می‌شمارند. همچنین اگر شکستگی با عیب بهبود یابد، فقیهان امامیه به عمومات ارش رجوع می‌کنند؛ در حالی که حنفیان به صراحت ارش را واجب می‌دانند. در فرضی که شکستگی ستون فقرات درمان نشود و یکی از منافع حیاتی نیز از بین برود، فقیهان امامیه قائل به دو دیه کامل (برای شکستگی و زوال منفعت) هستند؛ ولی میان حنفیان در این باره اختلاف است؛ از این رو برخی یک دیه و برخی دو دیه کامل را لازم می‌شمارند.

کلیدواژه‌ها: دیه اعضا، ستون فقرات، شکستگی پشت، فقه امامیه، فقه حنفی، فقه تطبیقی.

ستون فقرات یکی از اعضای حیاتی بدن انسان است که نقشی اساسی در حفظ تعادل، حرکت و پشتیبانی از عملکرد اندام‌های مختلف ایفا می‌کند. اهمیت این عضو نه تنها به جایگاه آن در ساختار جسمانی و حرکتی انسان بازمی‌گردد، بلکه به سبب پیامدهای سنگین ناشی از آسیب دیدگی آن نیز شایان توجه ویژه است؛ زیرا صدمه به ستون فقرات می‌تواند به اختلال‌های شدید حرکتی و حتی زوال منافع حیاتی بینجامد. بر همین اساس، واکنش نظام‌های حقوقی در برابر چنین صدماتی همواره جدی و قاطع بوده است؛ به گونه‌ای که در بیشتر نظام‌های کیفری از جمله فقه اسلامی، دیات سنگین و متناسب با نوع آسیب برای این‌گونه جنایات پیش‌بینی شده است. فقه اسلامی از آغاز به دقت به جنایت بر ستون فقرات پرداخته است و برای انواع صدمات وارد شده بر این عضو حیاتی، احکام روشنی وضع کرده است. در میان مکاتب فقهی، فقه امامیه و فقه حنفی در جایگاه دو مکتب گسترده و اثرگذار، دیدگاه‌های مبسوطی درباره اقسام آسیب‌های ستون فقرات و میزان دیه یا ارزش هر حالت ارائه کرده‌اند. اهمیت عملی این پژوهش، افزون بر تبیین مستندات فقهی احکام مربوط به دیه ستون فقرات، در بررسی مواردی است که قانون به صراحت درباره آنها حکمی بیان نکرده است؛ از جمله بهبودی همراه با عیب. بر همین اساس، این مقاله با رویکرد تطبیقی به بررسی اقسام شکستگی، صدمات وارد شده و منافع زائل شده ناشی از جنایت بر ستون فقرات می‌پردازد و میزان دیه یا ارزش مقرر برای هر مورد را در فقه امامیه و فقه حنفی تحلیل و مقایسه می‌کند.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. منابع اصلی تحقیق شامل آیات قرآن، روایات معتبر، متون فقهی امامیه و حنفی همچون جواهرالکلام، شرائع الاسلام، المبسوط، بدائع الصنائع و نیز قوانین کیفری معاصر مرتبط با دیات است. داده‌های گردآوری شده پس از استخراج و دسته‌بندی، با رویکرد تحلیل

تطبیقی میان دو مکتب فقهی یادشده بررسی شده است تا ضمن تبیین مستندات فقهی، امکان بهره‌گیری از نتایج در تقنین و رویه قضایی فراهم شود. درباره پیشینه پژوهش، هرچند احکام دیه ستون فقرات در منابع فقهی کلاسیک و برخی مقالات حقوقی پراکنده مطرح شده است، مطالعه‌ای جامع و مستقل با رویکرد تطبیقی میان فقه امامیه و فقه حنفی کمتر انجام گرفته است. بیشتر آثار موجود یا به کلیات دیات پرداخته‌اند یا گذرا به صدمات ستون فقرات اشاره کرده‌اند و از تحلیل مواردی چون بهبودی همراه با عیب یا زوال منافع حیاتی خاص غفلت داشته‌اند. نوآوری این تحقیق در سه محور اساسی است؛ نخست: ارائه بررسی تطبیقی جامع میان فقه امامیه و فقه حنفی درباره انواع شکستگی‌ها و منافع از بین رفته؛ دوم: پرداختن به موارد مغفول در قوانین معاصر مانند تفاوت میان دیه کامل و ارش یا وضعیت بهبودی ناقص؛ سوم: پیوند میان فقه سنتی و نیازهای حقوقی امروز که می‌تواند در اصلاح قوانین کیفری و صدور آرای قضایی الهام‌بخش باشد.

در نهایت این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش محوری است که منشأ و مبنای فقهی تعیین دیه و ارش برای آسیب‌های وارده بر ستون فقرات در مکاتب فقهی امامیه و حنفی چیست؟ و این دیدگاه‌ها چه ظرفیت‌هایی برای تقنین و اجرای عدالت کیفری در جوامع اسلامی معاصر فراهم می‌آورند؟

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. ستون فقرات

«ستون فقرات (Spinal column) / ستون مهره (Vertebral column)، ستون فقرات - ا. مر. [فا. ع] [س. ت. ن. ف. ق] ستون مهره‌ها تیره پشت ستونی مرکب از ۳۳ قطعه استخوان به نام مهره یا فقره که به طور عمودی بر روی هم قرار گرفته و در پشت انسان از زیر گردن تا پایین کمر جا دارد و در میان آن سوراخی است موسوم به مجرای فقراتی که نخاع یعنی دنباله دماغ در آن قرار گرفته و در دو طرف دارای دو سوراخ کوچک‌تر است که اعصاب نخاعی و

شرایین جا دارند. دنباله آن را که مرکب از ۴ یا ۶ مهره به هم پیوسته است، عصص یا دنبالچه می‌گویند» (عمید، ۱۳۹۱ ه. ش، ج ۲، ص ۱۱۷۵). ستون فقرات در انسان از ساختار پیچیده‌ای تشکیل شده است: استخوان‌های کوچک (مهره‌ها)، دیسک‌های بالشتکی، اعصاب، مفاصل، اعصاب و تاندن‌ها. ستون فقرات (یا ستون مهره‌ها) از مجموعه تالگن امتداد دارد و از ۳۳ استخوان تشکیل شده که به طور سری قرار گرفته‌اند و توسط رباط‌ها و دیسک‌های بین مهره‌ای به هم متصل می‌شوند؛ با این حال، تعداد کامل استخوان‌های ستون فقرات می‌توانند بین ۳۲ تا ۳۵ متغیر باشند.

ستون فقرات اتصال به سایر اجزای بدن را فراهم می‌کنند و پشتیبانی از تنه را انجام می‌دهد؛ همچنین از نخاع و ریشه‌های عصبی محافظت می‌کند و در جایگاه محلی برای خون‌سازی عمل می‌کند. مهره‌های ستون فقرات در چهار منطقه اصلی گردنی، سینه‌ای، کمر و ناحیه خاجی و دنبالچه جای می‌گیرند (اکبری و دیگران، ۱۳۹۱ ه. ش، ج ۱، ص ۷۱).

۲-۱. شکستگی

کسر به فتح (الکسر) و کسرفاء الفعل (الکسر) در لغت به معانی متعددی آمده است؛ اما مقصود از کسر در روایات، همان مفهوم اصلی آن یعنی شکستگی است. ابن فارس درباره مفهوم «کسر» می‌گوید: «الكاف والسين والراء أصلٌ صحيح يدلُّ على هشْم الشيء و هشْمه» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ه. ش، ج ۵، ص ۱۸۰). اما با توجه به اینکه در روایات ما برای ترک خوردن استخوان (انصداع)، خُرد و له شدن استخوان (رض)، در رفتگی استخوان (نقل عظام) و... احکام خاص و دیات جداگانه‌ای غیر از شکستگی مقرر شده است، معلوم می‌شود مقصود از کسر، شکستگی خاصی است که مشمول هیچ‌یک از عناوین مذکور نباشد. با وجود اهمیت موضوع یا مفهوم‌شناسی این عناوین و تأثیر آن در تعیین میزان دیه، فقیهان تعریف خاصی از شکستگی ارائه نداده‌اند و ظاهراً به همان مفهوم لغوی یا عرفی آن بسنده کرده‌اند (بای، ۱۳۹۴ ه. ش، ص ۳۵).

۱-۲-۱. تعریف شکستگی از منظر پزشکی

ضربات وارد بر استخوان که باعث برهم خوردن تداوم تیغه‌های استخوانی می‌شود را شکستگی گویند. شکستگی ممکن است به صورت قطع کامل در تداوم یک استخوان باشد یا به صورت قطع ناکامل یا ترک (قطبی و دیگران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۱).

۱-۲-۲. انواع شکستگی‌ها

شکستگی‌ها را می‌توان بر اساس علت به وجودآورنده (اتیولوژی) به سه گروه تقسیم کرد: شکستگی‌هایی که فقط بر اثر ضربه ناگهانی به وجود آمده‌اند؛ شکستگی‌های حاصل از خستگی یا فشار؛ شکستگی‌های مرضی (پاتولوژیک).

شکستگی‌هایی که بر اثر ضربه ایجاد می‌شوند (Traumatic fractures)، بزرگ‌ترین گروه را تشکیل می‌دهند و در استخوانی اتفاق می‌افتند که قبلاً سالم بوده است. چنین شکستگی ممکن است بر اثر ضربه مستقیم (مانند شکستگی استخوان متاتارس بر اثر افتادن وزنه سنگین بر روی پا)، ضربه غیرمستقیم (مانند هنگامی که سر استخوان رادیوس با استخوان کلاویکولا بر اثر افتادن روی دست باز (out stretch hand) می‌شکند) یا عمل عضلانی (مانند شکستگی استخوان پاتلا به دنبال انقباض ناگهانی و شدید عضله کوادری سپس با شکستگی تروکانتر کوچک استخوان فمور به دنبال انقباض شدید عضله ایلیوپسواس) ایجاد شود. به شکستگی‌هایی که بر اثر انقباض عضلات ایجاد می‌شود، شکستگی کندگی (avulsion fracture) گفته می‌شود؛ زیرا نیروی انقباض عضله سبب کنده شدن بخشی از استخوان می‌شود (قطبی و دیگران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۱).

۲. نسبت «ظهر» و «صلب» با ستون فقرات

مطلب مهمی که باید بررسی شود این است که در متون فقهی واژه «ستون فقرات» یا

مترادف آن به کار نرفته است، بلکه فقیهان واژه‌هایی مثل «الظهر» و «الصلب» را به کار برده‌اند. بنابراین اگر روشن نشود مقصود از صلب یا ظهر چیزی غیر از ستون فقرات است یا صلب و ظهر دو عضو جداگانه در بدن است، نمی‌توان از دلایل مربوط به آنها احکام مربوط به ستون فقرات را به دست آورد؛ در نتیجه ضروری است ابتدا این نکته روشن شود که اولاً ظهر و صلب دارای معنای واحد هستند یا مقصود از آنها اعضا و اشیای متفاوت است؛ ثانیاً در صورت ترادف این کلمات، چه نسبتی میان ظهر و صلب با ستون فقرات می‌تواند وجود داشته باشد؟

برخی از فقیهان معتقدند ظهر و صلب دو عضو متفاوت در بدن هستند و برای اثبات تفاوت چنین استدلال شده است که از نظر لغت، «ظهر» همان استخوانی است که مهره‌هایی دارد و از ناحیه کتف تا دنبالچه کشیده شده است؛ ولی «صلب» به دنبالچه (عَبْجَز) گفته می‌شود. در زبان فقهی و عرفی نیز شکستگی را به «ظهر» نسبت می‌دهند، نه «صلب». همین نکته نشان می‌دهد «ظهر» استخوانی است که واژه «شکستن» برایش کاربرد دارد، اما «صلب» این‌گونه نیست. همچنین در زیارت وارث درباره امام حسین (ع) گفته شده است: «گواهی می‌دهم که تو نوری بودی در صُلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاک»؛ در حالی که چنین توصیفی برای «ظهر» رایج نیست (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۶ ه. ش، ص ۱۸۴). در مقابل، تعدادی بیشتری از فقیهان بر این باورند که مراد از ظهر و صلب در لسان روایات و کلمات فقیهان یک عضو واحد است و بر این دیدگاه از کلمات اهل لغت هم استدلال می‌آورند. تفاوت‌گذاری میان «صُلب» و «ظهر» برخلاف ظاهر گفتار بیشتر فقیهان است، بلکه برخی از آنان به صراحت «صُلب» را همان «ظهر» معنا کرده‌اند؛ مانند آنچه در مجمع البحرین و کتاب الصحاح نیز آمده است: «صُلب بخشی از ظهر است». در کتاب مختصر النهایه نیز آمده است: «صُلب همان ظهر است»؛ همچنین در قاموس آمده است: «استخوانی پیوسته از ناحیه کتف تا دنبالچه را صُلب گویند» (نجفی، ۱۳۶۲ ه. ش، ج ۴۳، ص ۲۶۲).

آیت‌الله سبحانی در بررسی جامع این موضوع که جنبه‌های فقهی، لغوی و حتی روایی بحث را مورد توجه قرار داده‌اند، به جمع‌بندی جدیدی دست یافته است. خلاصه دیدگاه ایشان این است که هرچند «ظهر» و «صلب» از نظر لغت به یک معنا نیستند، اما هنگامی که سخن از شکستن پشت (ظهر) است، پشت استخوانی دیگری غیر از ستون فقرات ندارد. به نظر می‌رسد جمع‌بندی ایشان موجه و مقبول بسیاری از فقیهان نیز قرار گرفته است. متن عبارت ایشان بدین ترتیب است: «این پرسش مطرح است که مراد از واژگان «ظهر» و «صلب» چیست؟ آیا این دو واژه از نظر مفهومی با یکدیگر مترادف‌اند یا آنکه دلالت‌های متفاوتی دارند؟ صاحب جواهر بر اتحاد معنایی آن دو تأکید کرده و از مختصر النهایه نقل کرده است که «صلب» همان «ظهر» است. با این حال آنچه از ظاهر استعمالات به دست می‌آید، آن است که «ظهر» در برابر «بطن» (شکم) قرار دارد و محدوده‌ای از بدن انسان را دربر می‌گیرد که از ناحیه کاهل (پشت گردن) تا دنبالچه (عَجَب) را در امتداد طول و از یک شانه تا شانه دیگر را در امتداد عرض شامل می‌شود. در مقابل، واژه «صلب» به طور خاص به استخوانی اطلاق می‌شود که مهره‌ها بر آن قرار دارند؛ یعنی ستون فقرات. البته در مواردی که تعبیر «کسر الظهر» (شکستن پشت) به کار می‌رود، منظور از آن در واقع شکستن صلب است؛ چراکه در ناحیه ظهر، جز استخوان ستون فقرات، استخوان قابل اعتنای دیگری وجود ندارد. کاربرد دقیق این واژگان را می‌توان با مراجعه به منابع لغوی نیز تأیید کرد. این منظور در لسان العرب می‌گوید: «صلب، استخوانی است که از ناحیه کاهل تا دنبالچه امتداد دارد و جمع آن «أصلاب» است». وی همچنین می‌افزاید: «صلب جزئی از ظهر است و هر بخشی از ظهر که دارای مهره باشد، صلب نامیده می‌شود». در مصباح المنیر نیز آمده است: «صلب به هر پشتی گفته می‌شود که دارای مهره باشد. بر این اساس، روشن می‌شود که تفسیر یادشده در متن که «ظهر» را بر استخوان دارای مهره تطبیق می‌دهد، در واقع تفسیر لغوی نیست، بلکه تفسیری مبتنی بر قرینه است، و آن قرینه، استعمال تعبیر «کسر الظهر» است که ظهور در شکستن ناحیه‌ای دارد که دارای استخوان است، یعنی صلب. همچنین

عبارتی که در زیارت سیدالشهدا (ع) آمده و در آن زائر می‌گوید: «أشهد أنك كنت نوراً في الأضلاب الشامخة»، دلالتی بر ترجیح یکی از دو دیدگاه ندارد، بلکه می‌تواند بر هر دو معنا انطباق یابد» (سبحانی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۳۴۵).

در تأیید این امر که مراد از «ظهر» و «صلب» در فقه یک عضو واحد است که عبارت است از ستون فقرات، استفتایی است که از یکی دیگر از فقیهان معاصر انجام گرفته است. متن پرسش و پاسخ ایشان را پایان بخش این مبحث قرار می‌دهیم. پرسش: «مقصود از «ظهر» یا «صلب» که مطابق روایات معتبر، شکستگی یا خمیدگی آن موجب دیه کامل است، دقیقاً چه استخوان‌هایی است؟ پاسخ: «منظور استخوان‌های ستون فقرات است» (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۶۲۵).

۳. دیه صورت‌های شکستگی ستون فقرات در فقه مکتب اهل بیت (ع)

برای بررسی موارد و مصادیق جنایت بر ستون فقرات و آگاهی از دیه مقدر برای هر جنایت به طور مشخص، هر مورد کامل و جداگانه تحلیل و بررسی می‌شود تا نتایج فقهی به دست آمده به دقت در هر مورد قابل مقایسه و استناد باشند. جنایت‌هایی که بر ستون فقرات انجام پذیر است، به دو دسته تقسیم شدنی است؛ در برخی موارد نفس جنایت به صرف ارتکاب و صرف نظر از نتیجه موجب تحقق دیه می‌گردند؛ در موارد دیگر جنایت ارتكابی در صورتی موجب تحقق دیه شناخته می‌شود که منفعتی از منافع ستون فقرات را از بین برده باشد. در متون فقهی عالمان مکتب اهل بیت (ع) موارد ذیل از جنایت بر ستون فقرات که سبب از بین رفتن منفعتی می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است:

- ستون فقرات بشکند و بعد از علاج به شکل خمیده درآید؛

- ستون فقرات بشکند و مداوا شود، اما سبب از بین رفتن یکی از منافع مهم و حیاتی در

مجنی علیه گردد؛ مثل اینکه قدرت بر نشستن یا توان راه رفتن یا توان جنسی یا توان کنترل

ادرار را در مجنی علیه از بین ببرد؛

- شکستن ستون فقرات سبب فلج و بی حسی پاها شود؛
 - شکستن ستون فقرات همراه بازوال یک منفعت در صورتی که شکستگی نیز بهبود نیابد.
 در مقابل جنایت‌هایی که بر ستون فقرات انجام پذیر است، فقیهان مکتب اهل بیت (ع) برای هر جنایت به تناسب و فراخور نتیجه حاصل شده و منفعت تفویض شده از مجنی علیه با استفاده از منابع شرعی، دیه مناسب را در نظر گرفته‌اند.

۳-۱. دیه جنایت صرف (بدون صلب منفعت) بر ستون فقرات

در متون فقهی عالمان مکتب اهل بیت (ع) به موارد ذیل از جنایت بر ستون فقرات توجه شده است:

الف) شکستن پشت اگر مداواشدنی نباشد؛ بر اساس فتاوی فقیهان مکتب اهل بیت (ع)، دیه کامل یک انسان است. فقیهان مکتب اهل بیت (ع) به اتفاق دیه شکستن ستون فقرات را اگر مداواشدنی نباشد، دیه کامل یک انسان می‌دانند و در این باره هیچ نظر مخالفی میان فقیهان این مکتب وجود ندارد (خمینی، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۲، ص ۵۸۰ - ۵۸۱؛ نجفی، ۱۳۶۲ ه.ش، ج ۴۳، ص ۲۶۰؛ حلی، ۱۴۳۰ ه.ش، ج ۱۶، ص ۴۷۲).
 ب) شکستن ستون فقرات در حالتی که بدون عیب بهبود یابد؛ نظریه غالب در فقه مکتب اهل بیت (ع) درباره دیه مقرر این فرض، یک دهم دیه کامل انسان (۱۰۰ دینار) است (حکیم، ۱۴۳۳ ه.ش، ج ۳، ص ۳۰۶)؛ با این وجود میان عالمان مکتب اهل بیت (ع) اقوال مخالفی نیز وجود دارد که مهم‌ترین این دیدگاه‌ها، اعتقاد به یک سوم دیه کامل است. به این دیدگاه‌ها به اختصار اشاره می‌کنیم

• یک سوم دیه: همان‌گونه که اشاره شد، مهم‌ترین نظریه، یک سوم دیه کامل است (حلی، ۱۴۱۰ ه.ش، ج ۳، ص ۳۹۱؛ حلی، ۱۴۲۰ ه.ش، ج ۲، ص ۲۷۱)؛ همچنین کتاب‌های تلخیص المرام فی معرفة الأحکام، ص ۳۶۵؛ الجامع للشرائع، ص ۵۹۳؛ الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات، ص ۳۲۶؛ شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص

۲۵۱؛ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۱۵، ص ۴۳۰؛ النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، ج ۱، ص ۷۶۸ به ثلث دیه فتوا داده اند.

- یک پنجم دیه: برخی فقیهان، دیه شکستن ستون فقرات را اگر بدون عیب بهبود یابد، فقط یک پنجم دیه کامل می دانند (ابن حمزه، ۱۴۰۸هـ، ص ۴۵۰).
- ارش: برخی از فقیهان شکستن ستون فقرات را اگر بدون عیب بهبود یابد، اصلاً دارای دیه نمی دانند، بلکه با توجه به میزان آسیب وارد شده دارای ارش می دانند (طوسی، ۱۳۸۷هـ، ج ۷، ص ۱۴۷).

البته تمامی این نظرات دارای اشکال دانسته شده و عموماً هم از سوی محققان از (فقیهان پاسخ درخور دریافت داشته اند (خویی، ۱۳۹۸هـ.ش، ج ۴۲، ص ۴۰۲ ج) ستون فقرات بشکند و با عیب مداوا گردد.

بهبودی با عیب ستون فقرات، از مواردی است که در مورد حکم (اعم از دیه یا ارش) در فقه به صراحت به آن توجه نشده است.^۱ هرچند عبارت فقیهان در توصیف فرض های اول و دوم به گونه ای صریح است که به هیچ وجه این صورت را دربر نمی گیرد؛ بنابراین تنها راه باقی موجود برای دستیابی به حکم این مورد، رجوع به عمومات است که در این گونه موارد ثبوت ارش است. اما به هر حال برخی استفتائات انجام گرفته از برخی فقیهان نیز به ثبوت ارش در مورد بهبودی با عیب ستون فقرات حکم داده است. متن استفتا بدین ترتیب است: «آیا شکستگی یک مهره از ستون فقرات با فرض عدم توفیق در معالجه و باقی ماندن اثر جنایت و ایجاد نقص در مهره مورد نظر، مستلزم تعیین ارش است یا دیه؟ و آیا می توان شکستگی یک مهره را شکستگی ستون فقرات فرض کرد و برای آن دیه کامل تعیین نمود؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت

۱. اگر منافع پشت زایل شده مثل راه رفتن و نشستن و مستقیم بودن، در آن دیه کامله است و اگر مثل سابق این کارها را می تواند انجام دهد و عرفاً اثر جنایت در او باقی نمانده،

پس احوط در آن مقدار زیادتر از هریک از ارش ۱۰۰۰ دینار است.

۲. در صورت شکستن یک مهره، حکم به ارش می‌شود. همیشه موفق باشید» (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۷۵۷).

متأسفانه برخی از قضات محاکم آسیب‌های وارد شده بر ستون فقرات را (اگر سبب زوال منافع نشده باشد) به دو دسته تقسیم می‌کنند: عدم بهبودی و التیام کامل و در نتیجه صورت سوم (بهبودی با عیب)؛ گاهی در حکم عدم بهبودی و برخی موارد هم در حکم بهبودی کامل برشمرده شده و فقط به پرداخت ۱۰٪ دیه کامل حکم می‌دهند. افزون بر عمومات فقهی و برخی از استفتائاتی که به آنها اشاره شد، به نظر می‌رسد فرض وجود دستۀ سوم از آسیب بر ستون فقرات برای تحقق عدالت نیز ضروری است؛ چراکه بهبودی با عیب ستون فقرات، در حقیقت نه عدم بهبودی است و نه بهبودی کامل. بنابراین اجرای عدالت این تقاضا را به وجود می‌آورد که بهبودی معیوب خود فرض جداگانه‌ای تصویر شود و حکم مستقل خود را نیز داشته باشد؛ حکمی که نه شباهتی به عدم بهبودی و نه با بهبودی کامل وجوه اشتراک دارد. همان‌گونه که اشاره شد، افزون بر عمومات فقهی و برخی فتاوی‌ای شرعی، استدلال عقلی نیز می‌تواند از این حکم پشتیبانی کند؛ با این بیان که هدف از وضع قوانین در هرجامعه‌ای، ایجاد عدل و نفی ظلم است. تشخیص عدالت نیز مبتنی بر عقل بشری است و خداوند عقلاً و بالضروره همان عدلی را اراده می‌کند که عقل بشری درک می‌نماید. بنابراین عقل بشر می‌تواند در استنباط، عدالت را معیار و مبنا قرار دهد. همچنین دادرسی در جریان تمیز حق و تفسیر و اجرای قاعده حقوقی، نیاز به استدلال منطقی دارد و ناچار است مقدمات اندیشه و نتیجه‌گیری خود را بیان کند. دادرسی وظیفه دارد با ذکر مستند قانونی رأی، آن را توجیه کند؛ در این راستا هیچ قدرتی جز منطق قوی از او حمایت نمی‌کند. در هیچ مکتبی حقوقدانان از منطق بی‌نیاز نیست (نهرینی و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۱۴) و در کشاکش بین عدم بهبودی ستون فقرات و بهبودی کامل آن، عقل صورت سوم را ترسیم

می‌کند که عبارت است از فرض بهبودی همراه عیب ستون فقرات و بدیهی است که این صورت احکام خاص خود را نیز داشته باشد.

۲-۳. دیه زوال منافع بر اثر آسیب به ستون فقرات

در متون فقهی عالمان مکتب اهل بیت (ع) موارد ذیل از جنایت بر ستون فقرات که در نتیجه شکستن آن، سبب از بین رفتن منفعتی از منافع فرد می‌گردد، مورد توجه قرار گرفته است:

الف) ستون فقرات بشکند و بعد از علاج به شکل خمیده درآید. در این مورد همه فقیهان مکتب اهل بیت (ع) قائل به ثبوت دیه کامل هستند (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۴، ص ۲۵۱؛ خویی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ج ۴۲، ص ۴۰۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۱۱، ص ۳۸۰)؛ بر اساس تتبع نگارندگان، هیچ نظر مخالفی در این باره وجود ندارد.

ب) ستون فقرات بشکند و مداوا شود، اما سبب از بین رفتن یکی از منافع مهم و حیاتی در مجنی علیه گردد؛ مثل اینکه قدرت بر نشستن یا توان راه رفتن یا توان جنسی یا توان کنترل ادرار را در مجنی علیه از بین ببرد. نکته مهمی که این فرض را با فرض بعدی متفاوت می‌کند، این است که در این فرض شکستگی بهبود می‌یابد، با این وجود سبب می‌شود مجنی علیه یکی از منافع مهم را بر اثر شکستگی ستون فقرات از دست دهد. فقیهان مکتب اهل بیت (ع) در مورد به ثبوت دیه کامل (یک دیه) بر اثر ارتکاب این جنایت فتوا داده‌اند (خمینی، ۱۳۷۹ هـ.ش، ج ۲، ص ۵۸۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۹، ص ۲۱۹؛ اصفهانی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۱۱، ص ۳۸۰).

نکته مهمی که در ادامه بررسی این فرض ممکن است مورد پرسش قرار گیرد این است که آیا منافع فوت شده بر اثر شکستگی ستون فقرات فقط به همین موارد ذکر شده در بالا محدود است یا فقط این منافع است که تفویض آنها سبب تثبیت دیه کامل بر مرتکب می‌گردد؟ با اینکه این پرسش، مهم و اساسی است و هر نوع

پاسخی به آن می‌تواند در عمل در دادگاه‌ها تأثیر زیادی داشته باشد، در اینجا فقط به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که موارد و مثال‌های پیش‌گفته در کلمات فقیهان وجود دارد و ما به تبع فقیهان فقط به ذکر مثال‌های موجود در کلمات آنها بسنده کرده‌ایم و بررسی این‌گونه پرسش‌ها را به فرصت‌های دیگر واگذار می‌کنیم.

(ج) شکستن ستون فقرات سبب فلج و بی‌حسی پاها شود؛ یعنی افزون شکستن ستون فقرات، منفعتی نیز از بین برود که این منفعت عبارت است از ایجاد شلل در پاها؛ در این فرض، فقیهان مکتب اهل بیت (ع) یک دیه کامل برای شکستن ستون فقرات و دوثلث دیه برای ایجاد شلل در پاها در نظر می‌گیرند. این مورد از مواردی است که جنایت دیه بیشتر از دیه کامل یک انسان دارد (نجفی، ۱۳۶۲ هـ. ش، ج ۴۳، ص ۲۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۵، ص ۲۵۲؛ اصفهانی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۱۱، ص ۳۸۲).

(د) دیه موردی که شکستن پشت بهبود نیابد و این شکستن سبب زوال یک منفعت نیز شده باشد. تفاوت این مورد با مورد دوم این است که در فرض دوم، فتوا مربوط به موردی بود که ستون فقرات بعد از شکستن بهبود می‌یابد؛ اما این فرض حالتی را بیان می‌کند که شکستن ستون فقرات به بهبودی منجر نمی‌شود، بلکه یکی از منافع مهم نیز از مجنی‌علیه از بین می‌رود که در این فرض، فقیهان مکتب اهل بیت (ع) برای هر جنایت، یک دیه مجزا و در نتیجه برای هر دو جنایت، دو دیه کامل را فتوا داده‌اند (حلی، ۱۴۱۱ هـ، ص ۲۰۲؛ حلی، ۱۳۷۹ هـ. ش، ص ۳۶۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۱۰، ص ۲۳۲؛ اصفهانی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۱۱، ص ۳۸۲).

۴. صورت‌های شکستگی ستون فقرات و دیه آنها در فقه حنفی

برای بررسی موارد و مصادیق جنایت بر ستون فقرات و بررسی دیه هر مورد به طور مشخص از قبیل مصادیق جنایت، دیه مقدر برای هر جنایت و منابع مورد استناد، مباحث مربوط به ستون فقرات در فقه حنفی نیز به تفکیک بررسی می‌شود.

۴-۱. دیه جنایت صرف (بدون صلب منفعت) بر ستون فقرات

در متون فقهی حنفی موارد ذیل از جنایت بر ستون فقرات مورد توجه قرار گرفته است: الف) دیه شکستن پشت اگر مداواشدنی نباشد؛ بر اساس فتاوی فقیهان حنفی تنها در صورتی دارای دیه کامل است که سبب از بین رفتن یکی از منافع مهم و حیاتی مجنی علیه گردد؛ اما اگر شکستن پشت سبب تفویت هیچ یک از منافع در مجنی علیه نگردد، مرتکب ملزم به پرداخت دیه کامل نخواهد شد و در عوض در این فرض به پرداخت ارش ملزم خواهد شد (ابن نجیم، [بی تا]، ج ۲۳، ص ۱۴۶؛ الشیبانی، ۱۹۷۵م، ج ۴، ص ۴۳۹).

ب) دیه شکستن پشت اگر مداواشدنی باشد؛ با اینکه به این مورد نیز در کلمات فقیهان حنفی توجه شده است، یعنی فقیهان حنفی بر این فرض در کلماتشان تصریح کرده اند، در این مورد معتقد به پرداخت دیه نیستند، بلکه به صراحت لزوم دیه را در این مورد نفی کرده اند. نکته مهم دیگری که در کلمات برخی از فقیهان حنفی مثل ابوحنیفه در این فرض بدان پرداخته شده است، فقط لزوم پرداخت اجرت طبیب از سوی ضارب است (ابن نجیم، [بی تا]، ج ۲۳، ص ۱۴۶).

در کتاب الفتاوی الهندیة در صورت بهبودی ستون فقرات بعد از شکستگی به گونه ای که هیچ اثری از جنایت باقی نباشد، نه تنها دیه ای در نظر نمی گیرد، بلکه به صراحت فتوا به عدم لزوم پرداخت هر نوع خسارتی صادر می کند (فلاشی ء) و لزوم پرداخت اجرت طبیب از سوی مرتکب را نیز به گویندگان مجهول نسبت می دهد که حکایت از سستی این دیدگاه از منظر نویسنده دارد (نظام و دیگران، ۱۹۹۱م، ج ۶، ص ۲۷).

ج) ستون فقرات بشکند و با عیب مداوا گردد؛ این فرض نیز با آنکه در کلمات فقیهان حنفی بدان توجه شده است، مورد جبران آن با آنچه در فقه مکتب اهل بیت (ع) آمده، متفاوت است؛ چراکه فقیهان حنفی در این مورد قائل به پرداخت ارش شده اند

و نه پرداخت دیه. جالب اینکه فقیهان حنفی عموماً به صراحت این مورد را مشمول ارش می‌دانند و بر ارشی بودن این آسیب تأکید می‌ورزند (ابن نجیم، [بی تا]، ج ۲۳، ص ۱۴۶؛ نظام و دیگران، ۱۹۹۱م، ج ۶، ص ۲۷).

۲-۴. زوال منافع و دیه آن بر اثر آسیب به ستون فقرات

در متون فقهی عالمان حنفی، موارد ذیل از جنایت بر ستون فقرات که سبب از بین رفتن منفعتی می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است:

الف) ستون فقرات بشکند و بعد از علاج به صورت خمیده درآید؛ به این فرض از جنایت بر ستون فقرات در کلمات فقیهان حنفی توجه شده است و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مواردی است که با احکام فقه شیعی بیشتری هماهنگی را دارد؛ چراکه فقیهان حنفی نیز در این فرض قائل به پرداخت دیه کامل هستند و همانند فقیهان شیعی در صورت کسر ظهر و علاج همراه خمیدگی، قائل به دیه شده‌اند؛ با این وجود، فقط معتقد به پرداخت یک دیه شده‌اند. در کتاب الجوهرة النيرة که شرحی است بر کتاب مختصر القدوری، در تحلیل زیبایی ثبوت دیه کامل در این فرض این‌گونه تبیین شده است: «اگر کسی به عضوی از بدن دیگری ضربه بزند و در نتیجه، کارایی و منفعت آن عضو از بین برود، باید دیه کامل بپردازد؛ همان‌گونه که اگر آن عضو را به طور کلی قطع کرده باشد؛ مانند دستی که بر اثر ضربه فلج شده و دیگر کار نمی‌کند یا چشمی که بینایی خود را از دست داده است. علت این حکم آن است که آنچه در یک عضو مهم است، همان کارایی و منفعت آن است؛ بنابراین از بین رفتن منفعت در حکم از بین رفتن خود عضو است. همچنین اگر کسی به پشت مردی ضربه بزند و در نتیجه، توانایی جنسی اش (نطفه‌اش) از بین برود، پرداخت دیه کامل بر او واجب است؛ نیز اگر باعث شود پشت او خمیده و قوزدار شود، باز هم دیه لازم است؛ زیرا در

این حالت، زیبایی و تناسب کامل اندام بدن از بین رفته است) حداد، ۱۳۲۲هـ، ج ۵، ص ۲۸؛ وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية بالكويت، ۱۴۱۴هـ، ج ۲۱، ص ۶۸؛ الشيباني، ۱۹۷۵م، ج ۴، ص ۴۳۹).

ب) ستون فقرات بشکند و سپس بهبود یابد، اما سبب از بین رفتن یکی از منافع مهم و حیاتی در مجنی علیه گردد؛ مثل اینکه قدرت برنشستن یا توان راه رفتن یا توان جنسی یا توان کنترل ادرار را در مجنی علیه از بین ببرد. فقیهان حنفی به این مورد نیز توجه داشته‌اند و به لزوم پرداخت دیه کامل در قبال زوال منافع از مجنی علیه تصریح کرده‌اند. ابو محمد غانم بن محمد البغدادی در کتاب مجمع الضمانات در این مورد نوشته است: «و اگر بر پشت او ضربه بزند به گونه‌ای که توانایی جنسی اش از بین برود یا ضربه باعث شود که پشت او خمیده (گوژ) گردد، بر عهده اش دیه کامل یک انسان است» (بغدادی، ۱۹۱۹م، ج ۳، ص ۳۴۸). نکته مهم و قابل توجهی که می‌تواند خود در این زمینه دارای آثار باشد، این است که بسیاری از عالمان و فقیهان حنفی از بین رفتن منافع در نتیجه شکستن ستون فقرات را فقط در یک مورد و آن هم به از بین بردن منفعت جماع محدود کرده و برخی دیگر زوال منافع را به از بین رفتن منفعت جنسی مثال زده‌اند. شیبانی از فقیهان حنفی برای شکستن ستون فقرات در دو مورد حکم به پرداخت دیه کامل می‌کند؛ مورد اول زمانی که شکستن سبب از بین رفتن توان جنسی گردد و دوم زمانی که ستون فقرات به شکل خمیده درآید.^۲ هرچند برخی دیگر مثل تهیه‌کنندگان کتاب موسوعة الفقهية به زوال منافع مهم دیگر نیز مثال زده‌اند و از بین رفتن آنها را سبب ثبوت دیه کامل می‌دانند.

در متن وابسته به وزارت اوقاف کویت، در موردی که ستون فقرات کسی بشکند و یکی از منافع مهم او مثل قدرت راه رفتن یا قوه جنسی مجنی علیه از بین برود، دیدگاه فقیهان حنفی را در این مورد اثبات دیه کامل می‌داند و این دیدگاه را همه نسبت

می‌دهد: «هرگاه ستون فقرات فردی بشکند و در نتیجه قدرت راه رفتن یا توانایی جنسی اش از بین برود، بر عهده ضارب دیه کامل انسان خواهد بود؛ این حکم نزد همه فقها پذیرفته شده است» (وزاره الأوقاف و الشؤون الإسلامية بالکویت، ۱۴۱۴هـ، ج ۲۱، ص ۶۸).

ج) شکستن ستون فقرات سبب فلج و بی‌حسی پاها شود؛ همان‌گونه اشاره شد، این فرض را فقیهان مکتب اهل بیت (ع) مستقلاً مورد توجه قرار داده‌اند و به دیه مستقلاً برای مرتکب جنایت در این فرض تصریح شده است. نگارندگان در جستجوی خود موفق نشده‌اند برای این فرض در کتب فقیهان حنفی نظری به دست آورند؛ بنابراین به نظر می‌رسد فقیهان حنفی به این فرض اصلاً نپرداخته‌اند.

د) دیه موردی که شکستن پشت بهبود نیابد و این شکستن سبب زوال یک منفعت نیز گردد؛ عبدالقادر عوده، عالم و قاضی مصری حنفی مذهب در کتاب التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، ضمن بررسی دیه شرعی در این فرض بر اساس آرای فقیهان مذاهب اهل سنت، با استناد به کتاب‌های مواهب الجلیل (ج ۶، ص ۲۶۱)، بدائع الصنائع (ج ۷، ص ۳۱۱)، المذهب (ج ۲، ص ۲۲۲)، المغنی (ج ۹، ص ۶۲۶) به این جمع‌بندی می‌رسد که فقیهان حنفی در این موضوع اختلاف دارند؛ از این رو برخی فقط معتقد به اثبات یک دیه کامل هستند، برخی نیز با توجه به استدلالی که ارائه می‌دهند، معتقدند مرتکب باید دو دیه پرداخت کند (العوده، ۲۰۰۹م، ج ۲، ص ۱۹۲).

او همچنین در این فرض بر اساس آرای فقیهان مذاهب اهل سنت، با استناد به کتاب‌های الشرح الکبیر (ج ۹، ص ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۶۰۵)، المذهب (ج ۲، ص ۲۲۲)، بدائع الصنائع (ج ۷، ص ۳۱۱)، شرح الدرریر (ج ۴، ص ۲۴۳) معتقد است فقیهان حنفی با استناد به قیاس در این صورت فقط یک دیه را ثابت می‌دانند:

«اگر توانایی راه رفتن یا توانایی جنسی از بین برود، برای از بین بردن هر یک از آنها، دیه کامل واجب است. و از آنجاکه معروف است ستون فقرات (صُلْب) بر این دو توانایی تأثیر دارد،

پس اگر کسی ستون فقرات فردی را بشکند و در نتیجه توانایی جماع او از بین برود، باید دو دیه بپردازد نه یک دیه؛ برخلاف نظر امام مالک که معتقد است دیه صلب در دیه منافع (مانند جماع) تداخل می‌کنند و جداگانه محاسبه نمی‌گردد. بر اساس همین قیاس، اگر با از بین بردن صلب، هم توانایی جماع و هم توانایی راه رفتن را از بین ببرد، باید سه دیه پرداخت کند (یکی برای صلب، یکی برای جماع، یکی برای راه رفتن). اما اگر صلب را از بین نبرده باشد، بلکه فقط باعث از بین رفتن توانایی جماع و راه رفتن شده باشد، باید دو دیه بدهد؛ زیرا دیه صلب در دیه جماع یا راه رفتن تداخل نمی‌کند؛ چراکه صلب مستقیم محل هیچ‌کدام از این منافع نیست؛ عضو وسیله راه رفتن، پاها و عضو جماع، آلت تناسلی است. در مذهب شافعی و احمد بن حنبل دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاهی که می‌گوید اگر توانایی راه رفتن و جماع هر دو از بین بروند، باید دو دیه پرداخت شود؛ چون این دو، دو منفعت متفاوت هستند. دیدگاهی که قائل به یک دیه است؛ زیرا این دو منفعت مربوط به یک عضو هستند؛ چنان‌که اگر کسی زبان را قطع کند و در نتیجه هم قدرت سخن گفتن و هم چشایی از بین برود، تنها یک دیه پرداخت می‌شود. طبق قیاس در مذهب ابوحنیفه نیز در فرض از بین رفتن توانایی جماع و راه رفتن با هم، تنها یک دیه واجب است» (العوده، ۲۰۰۹م، ج ۲، ص ۱۹۲).

۵. مقایسه تطبیقی فقه امامیه و حنفی در دیه شکستگی ستون فقرات

پس از بررسی دیه انواع شکستگی ستون فقرات در فقه امامیه و فقه حنفی، مقایسه دیدگاه‌های این دو مکتب فقهی در دو بخش تفاوت‌ها و مشابهت‌ها تحلیل و بررسی می‌شود.

۱-۵. تفاوت‌های فقه امامیه و فقه حنفی در دیه شکستگی ستون فقرات

مطالعه تطبیقی احکام دیه شکستگی ستون فقرات در دو مکتب فقهی امامیه و حنفی، نشان دهنده وجود تفاوت‌هایی بنیادین در شیوه تحلیل فقهی مسئله، قلمرو عضوی صلب و ظاهر و محاسبه دیه یا ارش است. در این بخش، مهم‌ترین تفاوت‌ها به تفصیل بررسی می‌شود.

۱-۵. تفاوت در دیه ستون فقرات اگر شکستگی مداواشدنی نباشد

در فقه امامیه، شکستن ستون فقرات اگر مداواشدنی نباشد، دیه کامل یک انسان است و در این باره هیچ نظر مخالفی میان فقیهان این مکتب وجود ندارد (خمینی، ۱۳۷۹ ه. ش، ج ۲، ص ۵۸۰ - ۵۸۱؛ نجفی، ۱۳۶۲ ه. ش، ج ۴۳، ص ۲۶۰؛ حلی، ۱۴۳۰ ه. ش، ج ۱۶، ص ۴۷۲)؛ اما در فقه حنفی، دیه شکستن پشت اگر مداواپذیر نباشد، تنها زمانی دارای دیه کامل است که سبب از بین رفتن یکی از منافع مهم و حیاتی در مجنی علیه گردد؛ اما اگر شکستن پشت سبب از بین رفتن هیچ یک از منافع در مجنی علیه نگردد، مرتکب ملزم به پرداخت دیه کامل نخواهد شد و در عوض به پرداخت ارزش ملزم خواهد شد (ابن نجیم، [بی تا]، ج ۲۳، ص ۱۴۶؛ الشیبانی، ۱۹۷۵ م، ج ۴، ص ۴۳۹).

۲-۱-۵. تفاوت در دیه ستون فقرات اگر مداواپذیر باشد

در شکستن ستون فقرات اگر بدون عیب بهبود یابد، نظریه غالب در فقه مکتب اهل بیت (ع)، یک دهم دیه کامل انسان (۱۰۰ دینار) است (حکیم، ۱۴۳۳ ه. ش، ج ۳، ص ۳۰۶). فقیهان حنفی در این فرض معتقد به پرداخت دیه نیستند، بلکه به صراحت لزوم دیه را در این مورد نفی کرده اند. نکته مهم دیگری که در کلمات برخی از فقیهان حنفی مثل ابوحنیفه در این فرض بدان پرداخته شده است، فقط لزوم پرداخت اجرت طبیب از سوی ضارب است (ابن نجیم، [بی تا]، ج ۲۳، ص ۱۴۶).

۳-۱-۵. تفاوت در دیه ستون فقرات اگر با عیب مداوا شود

بهبودی با عیب ستون فقرات، از مواردی است که در فقه امامیه به صراحت بدان توجه نشده است؛ هرچند عبارت فقیهان در توصیف فرض های اول و دوم به گونه ای صریح است که به هیچ وجه این فرض را در بر نمی گیرد. بنابراین تنها راه باقی موجود برای دستیابی به حکم این مورد،

رجوع به عمومات است که در این گونه موارد ثبوت ارش است. به این فرض در کلمات فقیهان حنفی توجه و تصریح شده است و آنان قائل به پرداخت ارش شده‌اند نه پرداخت دیه. جالب اینکه بیشتر فقیهان حنفی به صراحت این مورد را مشمول ارش می‌دانند و بر ارشی بودن این آسیب تأکید می‌ورزند (ابن نجیم، [بی تا]، ج ۲۳، ص ۱۴۶؛ نظام و دیگران، ۱۹۹۱م، ج ۶، ص ۲۷).

۲-۵. مشابهت‌های فقه امامیه و فقه حنفی در دیه شکستگی ستون فقرات

با وجود تفاوت‌ها میان دو مکتب فقهی امامیه و حنفی در احکام مربوط به شکستگی ستون فقرات، بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد در اصول و بسیاری از فروع، اشتراک‌های درخور توجهی نیز مشاهده می‌شود. این اشتراک‌ها نشان‌دهنده نوعی هم‌گرایی در مبانی حقوقی اسلامی در قبال جنایات وارد بر این عضو حیاتی است.

۱-۲-۵. اشتراک در اهمیت ستون فقرات و تبعیت حکم آن از اصل کلی دیات

ستون فقرات در هر دو مکتب عضو حیاتی دانسته شده و از دیدگاه فقهی، مشمول قواعد کلی دیات و جنایات بر اعضا قرار گرفته است. اصل شمول دیه بر این عضو و نیز امکان رجوع به ارش یا حکومت در صورت نبود نص، مورد اتفاق نظر فقیهان در هر دو مذهب است.

۲-۲-۵. اشتراک در پذیرش وجود دیه در صورت زوال منافع

هر دو مکتب فقهی در فرض زوال منافع مهم ناشی از شکستگی ستون فقرات (مانند ناتوانی در حرکت، ایستادن یا خمیدگی پشت)، حکم به لزوم پرداخت دیه می‌دهند. این مسئله نشان می‌دهد هر دو نظام فقهی، آسیب وارد شده را فقط از منظر فیزیکی نمی‌سنجند، بلکه آثار عملکردی آن را نیز معیار قرار می‌دهند.

۵-۲-۳. اشتراک در رجوع به ارش در موارد فاقد نص

فقیهان هر دو مذهب در مواردی که برای آسیب خاص به ستون فقرات نصی در مقدار دیه موجود نباشد، حکم به رجوع به «ارش» یا «حکومت» داده‌اند. البته مبانی محاسبه و اجرای ارش در هر مذهب ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشد؛ اما اصل رجوع به ارش مورد اتفاق است.

۵-۲-۴. اشتراک در پذیرش دیه کامل در فرض ازین رفتن کامل کارکرد ستون فقرات

در فرضی که شکستن ستون فقرات منجر به ازین رفتن کامل کارکرد آن شود و فرد کامل فلج گردد یا قدرت حرکت یا ایستادن را از دست بدهد، هر دو مکتب فقهی بر ثبوت دیه کامل (یا حتی بالاتر با لحاظ دیه منافع جداگانه) اتفاق دارند.

۵-۲-۵. اشتراک در پذیرش دیه کامل در فرض خمیده شدن ستون فقرات

در این فرض فقیهان مکتب اهل بیت (ع) قائل به ثبوت دیه کامل هستند (محقق حلی، ۱۴۰۸هـ، ج ۴، ص ۲۵۱؛ خویی، ۱۳۹۸هـ.ش، ج ۴۲، ص ۴۰۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۴هـ، ج ۱۱، ص ۳۸۰). این فرض از جنایت بر ستون فقرات در کلمات فقیهان حنفی نیز مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مواردی است که احکام فقه شیعی بیشترین هماهنگی را دارد؛ چراکه فقیهان حنفی نیز در این موضوع قائل به پرداخت دیه کامل هستند و همانند فقیهان شیعی در صورت کسر ظهر و علاج همراه خمیدگی قائل به دیه شده‌اند و نیز فقط معتقد به پرداخت یک دیه هستند (حداد، ۱۳۲۲هـ، ج ۵، ص ۲۸؛ وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية بالکویت، ۱۴۱۴هـ، ج ۲۱، ص ۶۸؛ الشیبانی، ۱۹۷۵م، ج ۴، ص ۴۳۹).

۵-۲-۶. اشتراک در فتوا به پرداخت دیه کامل در فرض بهبودی شکستگی و زوال یک منفعت.

ستون فقرات بشکند و سپس بهبود یابد، اما سبب ازین رفتن یکی از منافع مهم و

حیاتی در مجنی علیه گردد؛ مثل اینکه قدرت بر نشستن یا توان راه رفتن یا توان جنسی یا توان کنترل ادرار را در مجنی علیه از بین ببرد. این مورد نیز مورد توجه فقیهان هر دو مکتب جعفری و حنفی قرار گرفته است و هر دو مکتب به لزوم پرداخت دیه کامل در قبال زوال منافع از مجنی علیه تصریح کرده‌اند. فقیهان مکتب اهل بیت (ع) به ثبوت دیه کامل (یک دیه) بر اثر ارتکاب این جنایت فتوا داده‌اند (خمینی، ۱۳۷۹ ه. ش، ج ۲، ص ۵۸۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ ه. ش، ج ۲۹، ص ۲۱۹؛ اصفهانی، ۱۴۲۴ ه. ش، ج ۱۱، ص ۳۸۰)؛ فقیهان حنفی نیز از بین رفتن منافع در نتیجه شکستن ستون فقرات را سبب ثبوت دیه کامل می‌دانند (وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية بالکویت، ۱۴۱۴ ه. ش، ج ۲۱، ص ۶۸).

۵-۲-۷. اشتراک در فتوا به دو دیه کامل در فرض عدم بهبودی و زوال یک منفعت

دیه موردی که شکستن پشت بهبود نیابد و شکستن سبب زوال یک منفعت نیز گردد؛ در این فرض فقیهان مکتب اهل بیت (ع) برای هر جنایت یک دیه مجزا و در نتیجه برای هر دو جنایت دو دیه کامل را فتوا داده‌اند (حلی، ۱۴۱۱ ه. ش، ص ۲۰۲؛ حلی، ۱۳۷۹ ه. ش، ص ۳۶۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه. ش، ج ۱۰، ص ۲۳۲؛ اصفهانی، ۱۴۲۴ ه. ش، ج ۱۱، ص ۳۸۲). عبدالقادر عوده حنفی مذهب ضمن بررسی دیه شرعی در این فرض بر اساس آرای فقیهان مذاهب اهل سنت، به این جمع‌بندی می‌رسد که فقیهان حنفی در این مورد اختلاف دارند؛ برخی از آنها فقط معتقد به اثبات یک دیه کامل هستند، برخی با توجه به استدلالی که ارائه می‌کنند، معتقدند مرتکب باید دو دیه پرداخت کند (العوده، ۲۰۰۹ م، ج ۲، ص ۱۹۲).

نتایج و یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی دیه شکستگی ستون فقرات در فقه امامیه و فقه حنفی، تلاش کرد با تحلیل ساختاری منابع فقهی و دسته‌بندی دقیق فروض، به تبیین

مواضع مشترک و متفاوت دو مکتب فقهی در قبال این نوع از آسیب بدنی پدیدار می‌گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هر دو مکتب فقهی، ستون فقرات را عضوی حیاتی و کلیدی در نظام دیات تلقی کرده‌اند و برای آسیب‌های وارد بر آن، دیه یا ارش مقرر داشته‌اند. با این حال در نوع طبقه‌بندی فروع، قلمرو مفهومی اصطلاحاتی مانند «ظهر» و «صلب» و شیوه ارزیابی جنایات فاقد نص، تفاوت‌های چشمگیری میان آنها وجود دارد. از منظر نوآوری، این پژوهش توانست چند دستاورد مهم ارائه دهد:

- الف) استخراج و تنظیم منسجم فروع آسیب به ستون فقرات: از میان منابع پراکنده فقهی امامیه و حنفی که در متون قانونی معاصر صراحتی درباره برخی از آنها وجود ندارد.
- ب) بازنامایی رویکرد دوگانه مکتب امامیه و حنفی: در تعیین دیه مقدر و ارش که می‌تواند مبنایی برای اصلاح قانون یا تفسیر قضایی در موارد ابهام یا سکوت قانونی باشد.
- ج) تبیین نقاط همگرایی و واگرایی دو مکتب: بدون فرورفتن در نقل قول مستقیم یا نقل اقوال متعدد، بلکه با تمرکز بر تحلیل تطبیقی و مفهوم‌پردازی فقهی.
- د) ارائه الگوی تطبیقی قابل استفاده در موارد مشابه: به ویژه برای پژوهش‌های آتی در موضوعات مرتبط با دیه اعضای پیچیده یا آسیب‌های ترکیبی.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت پاسخ پژوهش به پرسش اصلی مقاله آن است که منابع فقهی دو مکتب در دیه ستون فقرات، ضمن اشتراک در اصل ضمان و اهمیت این عضو، در تعیین فروع، شیوه محاسبه دیه یا ارش و قلمرو مفاهیم کاربردی، رویکردهای متفاوتی دارند؛ همین تفاوت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بازناندیشی در قانون‌گذاری و فقه تطبیقی جدید باشد.

تقدیر و تشکر

از داوران محترم و سردبیر گرامی که با دقت علمی و نکات راهگشای خود زمینه ارتقای کیفیت این مقاله را فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزاریم.

منابع مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی خاصی از هیچ نهاد یا سازمانی انجام شده و تمامی هزینه‌های مرتبط با آن توسط نویسندگان تأمین گردیده است.

مشارکت نویسندگان

کلیه مراحل پژوهش شامل طراحی مطالعه، گردآوری و تحلیل داده‌ها، نگارش و بازبینی متن، به طور مشترک توسط نویسندگان مقاله انجام شده است.

تضاد منافع

نویسندگان پژوهش تأیید می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافع (مالی، شخصی، حرفه‌ای یا دیگر روابط) که بتواند بر نتایج یا تفسیرهای ارائه شده در این پژوهش تأثیر بگذارد، وجود ندارد.

پی‌نوشت

۱. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در ماده ۶۴۷ که مربوط به دیه صورت‌های مختلف شکستگی ستون فقرات و احکام آن است نیز حکم این مورد را مورد توجه قرار نداده است، هرچند عباراتی که برای توصیف صورت‌های دیگر آسیب به ستون فقرات مورد استفاده قرار می‌دهد، هوشمندانه این مورد را دربر نمی‌گیرد، متأسفانه درعوض در تبیین این مورد و حکم آن نیز هیچ حکم صریحی ارائه نمی‌دهد.
۲. وفي الصُّلْبِ الدِّیةُ کَامِلَةٌ إِذَا مَنَعَ الْجَمَاعَ أَوْ حَدِبَ، فَإِنْ عَادَ إِلَى حَالِهِ وَلَمْ یَنْقُصْهُ ذَلْکَ شِیْئاً، إِلَّا أَنْ فِیهِ أَثَرُ الضَّرْبَةِ فَفِیْهِ حَکْمُ عَدْلِ (شیبانی، ۱۴۳۳هـ، ج ۶، ص ۵۴۸).

کتابنامه

۱. ابن حمزة، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۴۰۸ هـ). الوسيلة الى نيل الفضيلة. محقق: محمد حسون. قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ هـ). معجم مقاییس اللغة. محقق: عبدالسلام محمد هارون. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. ابن سعید، یحیی بن احمد. (۱۴۰۵ هـ). الجامع للشرائع. مصحح: جعفر سبحانی. قم: سیدالشهدا.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۳۷۵ هـ). لسان العرب. ج ۱. بیروت: دارالفکر.
۵. ابن نجیم المصری، زین الدین بن ابراهیم بن نجیم. [ابی تا]. البحر الرائق شرح كنز الدقائق. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. اصفهانی، بهاء الدین محمد بن حسن. (۱۴۲۴ هـ). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. ج ۱۱. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. اکبری، محمد؛ و دیگران. (۱۳۹۱ هـ.ش). آناتومی گری برای دانشجویان. ج ۱. تهران: ابن سینا.
۸. بای، حسینعلی. (۱۳۹۴ هـ.ش). «تأملی در قاعده دیه شکستگی استخوانها». حقوق اسلامی. دوره ۱۲. ش ۴۴. ص ۳۱ - ۶۵.
۹. بغدادی، ابومحمد بن غانم. (۱۹۱۹ م). مجمع الضمانات فی مذاهب الإمام الأعظم أبی حنیفة النعمان. ج ۳. قاهره: دارالسلام.
۱۰. حداد، ابی بکر بن علی. (۱۳۲۲ هـ). الجوهرة النيرة. ج ۵. ج ۱. قاهره: المطبعة الخيرية.
۱۱. حکیم، سید محمد سعید. (۱۴۳۳ هـ). منهاج الصالحین. ج ۳. قم: دارالهلال.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ هـ). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. ج ۲. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ هـ). تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین. محقق: محمد هادی یوسفی غروی و حسین درگاهای. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ هـ). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. محقق: ابراهیم بهادری. ج ۲. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۷۹ هـ.ش). تلخیص المرام فی معرفة الأحكام. محقق: مرکز الأبحاث و الدراسات الإسلامية، قسم إحياء التراث الاسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۶. حلی، ابوجعفر محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس. (۱۴۱۰ هـ.ش). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى. ج ۳. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۷. خمینی، روح الله. (۱۳۷۹ هـ.ش). تحرير الوسيلة. ج ۲. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).

۱۸. خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۹۸ ه.ش). مبانی تکملة المنهاج. ج ۴۲. قم: المطبعة العلمية المقدسه.
۱۹. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۹۲ ه.ش). أحكام الديات فى الشريعة الإسلامية الغراء. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
۲۰. شهيد الثانى، زين الدين بن على. (۱۴۱۰ ه.ش). الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (ط-الحديثة). ج ۱۰. قم: مكتبة الداورى.
۲۱. شهيد الثانى، زين الدين بن على. (۱۴۱۳ ه.ش). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. ج ۱۵. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
۲۲. شيبانى، محمد بن حسن. (۱۴۳۳ ه.ش). الأضل. تحقيق ودراسة: الدكتور محمد بونوكالين. ج ۶. ج ۱. بيروت: دارابن حزم.
۲۳. طوسى، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ه.ش). المبسوط فى فقه الإمامية. ج ۷. محقق: محمد باقر بهبودى. تهران: مكتبه المرزويه.
۲۴. طوسى، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ه.ش). الخلاف. تحقيق: جمعى از محققين. ج ۵. قم: جامعه مدرسین.
۲۵. طوسى، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ ه.ش). النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دارالكتاب العربى.
۲۶. عميد، حسن. (۱۳۹۱ ه.ش). فرهنگ عميد. ج ۲. ج ۳۱. تهران: اميرکبير.
۲۷. عوده، عبدالقادر. (۲۰۰۹ م). التشريع الجنائى الإسلامى مقارنة بالقانون الوضعى. ج ۲. قاهره: المكتبة التوفيقية.
۲۸. فاضل لنكرانى، محمد. (۱۳۷۶ ه.ش). تفصيل الشريعة فى شرح تحريرالوسيله. قم: مركز فقه الأئمة الأطهار عليهم السلام.
۲۹. فقعانى، على بن على. (۱۴۱۸ ه.ش). الدر المنضود فى معرفة صيغ النيات والايقاعات والعقود. محقق: محمد برکت. شيراز: مكتبه مدرسه امام العصر (عج) العلميه.
۳۰. قطبى، نسترن؛ و ديگران. (۱۳۹۴ ه.ش). توانبخشى و درمان شکیستی ها. تهران: كتاب ارجمند.
۳۱. محقق حلى، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ه.ش). شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام. ج ۴. محقق: عبدالحسين محمد على بقال. قم: اسماعيليان.
۳۲. محقق حلى، جعفر بن حسن. (۱۴۳۰ ه.ش). رياض المسائل (ط-الحديثة). ج ۱۶. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۳۳. الشيبانى، محمد بن الحسن بن فرقد. (۱۹۷۵ م). المبسوط. المحقق: أبوالوفا الأفغانى. ج ۴. كراتشى: إدارة القرآن والعلوم الإسلامية.
۳۴. موسى سبزواری، سيد عبدالاعلى. (۱۴۱۳ ه.ش). مهذب الأحكام. ج ۲۹. قم: السيد عبدالاعلى السبزواری.

۳۵. مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا، (۱۳۹۲ ه.ش)، گنجینه استفتانات قضایی، قم: نسخه ۲.
۳۶. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۲ ه.ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۳، محقق: ابراهیم سلطانی نسب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. نظام، برهانپوری؛ و دیگران، (۱۹۹۱ م)، الفتاوی الهندیة فی مذهب الإمام الأعظم أبی حنیفة النعمان، ج ۶، بیروت: دارالفکر.
۳۸. نهرینی، فریدون، (۱۴۰۱ ه.ش)، «عدالت، مناسبات استنباط و کاربست آن در صدور آرای قضایی»، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، س ۵، ش ۲، ص ۱-۲۱.
۳۹. وزارت اوقاف کویت، (۱۴۱۴ ه)، ال موسوعة الفقهية کویت، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية.